

مطالعه سیاست دادرسی ایران در دعاوی خانوادگی

ریحانه شهیدی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵

راحله کاردوانی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

امیررضا دهقانی نیا^۳

سید مهدی میرداداشی^۴

چکیده:

در طی گذار از مراحل زناشویی، ممکن است اختلاف بین زوجین بروز کند و در صورت حاد شدن به جدایی و طلاق منجر شود. این پژوهش بر آن است که با شیوه تحلیلی و توصیفی به این پرسش پاسخ دهد که «چه شیوه‌هایی برای حل و فصل اختلافات خانوادگی وجود دارد؟» بر اساس یافته‌های پژوهش، سه نوع شیوه در دادرسی اختلافات خانوادگی وجود دارد. شیوه اول به صورت رسیدگی شبه قضائی و از طریق حکمیت و داوری است؛ شیوه دوم مبتنی بر رسیدگی قضائی فردمحورانه است؛ شیوه سوم حل و فصل اختلافات خانوادگی با نگاه درمان محورانه است. ماحصل این پژوهش آن است که شیوه‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایران، بر اساس رسیدگی قضائی فرد محورانه است که دادرسی بر اساس این نظام به دلیل ماهیت خاص آن، به شکلی نیست که جدایی را کاهش دهد و یا عوارض و پیامدهای کمتری برای زوجین و خصوصاً اطفال داشته باشد و حتی با ویژگی تشریفاتی، تقابلی، فرد محورانه خود موجب تشدید خصومت‌ها و تزلزل نهاد خانواده می‌شود.

واژگان کلیدی: حل و فصل، دعاوی خانوادگی، شبه قضائی، قضائی

^۱ دانشجوی دکتری دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران shahidi363re@gmail.com

^۲ استادیار پژوهشکده مهرستان، اصفهان، ایران rahelekardavani@yahoo.com

^۳ استادیار دانشکده زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران loghatemoran76@gmail.com

^۴ استادیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران mirdadashim@yahoo.com

مقدمه:

مشکلات و منازعات اجتماعی در تمامی جوامع و در طول تاریخ وجود داشته است. در تمام نظام‌های حقوقی دنیا، رسیدگی و تصمیم‌گیری قضائی درباره موضوعات مختلف حقوقی و یافتن راه حل موثر و کارساز در حل و فصل اختلافات همواره مورد تاکید است (فضائلی و دیگران، ۱۳۸۷: ۶۰) در حوزه خانواده با توجه به حساسیت موضوع خانواده، اعتماد و ارتباط نزدیک و صمیمانه، احتمال ایجاد اختلاف همواره وجود دارد. (نعیمی و شریعتی، ۱۳۹۳: ۳) اختلافات حل نشده در زمینه حقوق خانواده زمینه‌ساز اقدام به دادخواهی در محاکم دادگستری است. (شهبازی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۶۳ تا ۴۸۲) دادگاه‌های خانواده پس از طرح دادخواست در دعاوی تصریح شده در ماده ۴ قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ نسبت به رسیدگی دعاوی خانوادگی صلاحیت پیدا می‌کنند.^۱ در فقه و حقوق ایران، پژوهش‌ها بیشتر معطوف به آئین دادرسی مدنی و یا نوآوریها و کاستی‌های قوانین نظیر قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ هستند (خلیلی، ۱۳۸۶) نسبت به ارجاع دعاوی خانوادگی به شورای حل اختلاف و در راستای اهداف شرعیت نبودن و تشدید دعاوی خانوادگی انتقاد کرده است. (اسدی، ۱۳۸۶) بر لزوم ایجاد سیاست افتراقی در دعاوی خانوادگی و تخصصی کردن محاکم خانواده تاکید کرده است. (جعفری، ۱۳۸۶) در پژوهش خود بر لزوم حل اختلافات زناشویی از طریق داوری قبل از دادرسی مدنی تاکید کرده است. (السان و دیگران، ۱۳۹۸) (تقی پور و دیگران، ۱۳۹۹) نوآوریهای قانون حمایت از خانواده را در مراحل مختلف (طرح دعوا، مرحله رسیدگی، مرحله صدور رای، مرحله اجرای احکام) بررسی کرده اند (داوودی، ۱۳۸۶) به بررسی جایگاه دادگاه خانواده و تاثیر قوانین خانواده بر آسیب‌های اجتماعی خانوادگی در نظام حقوقی ایران پرداخته است. همان گونه که مشاهده می‌شود در پژوهش‌های داخلی پژوهشی که نسبت به بررسی رویکردهای دادرسی پردازد وجود ندارد. در مقابل در پژوهش‌های خارجی، لزوم ایجاد آئین دادرسی خانواده محور در دادرسی دعاوی خانوادگی موضوعی پرکاربرد محسوب می‌شود. نظام‌های حقوقی کشورهای خارجی در طی دهه‌های اخیر پژوهش‌ها و تحقیقات بسیاری را به منظور بررسی شیوه‌های حل و فصل اختلافات خانوادگی انجام داده‌اند. از نظر بسیاری از پژوهشگران رسیدگی مشابه دعاوی مدنی

^۱ رسیدگی به امور و دعاوی زیر در صلاحیت دادگاه خانواده است. نامزدی و خسارات ناشی از برهم زدن آن، نکاح دائم، موقت و اذن در نکاح، شروط ضمن عقد نکاح، ازدواج مجدد، جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و اجرت المثل ایام زوجیت، تمکین و نشوز، طلاق، رجوع، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، حضانت و ملاقات طفل، نسب، رشد، حجر و رفع آن، ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آنان، نفقه اقارب، امور راجع به غایب مفقود الاثر، سرپرستی کودکان بی سرپرست، اهدای جنین، تغییر جنسیت

در دادگاه خانواده، موجب ازهم گسیختگی و نابودی واحد خانواده می‌شود زیرا زوجین با یکدیگر رابطه دارند و احتمالاً در آینده به ادامه روابط نیاز خواهند داشت. از این رو معتقدند که دادرسی مدنی مناسب‌ترین روش برای حل اختلاف خانوادگی نیست و آراء صادره از دادگاه فقط تعارضات حقوقی را حل می‌کند و روابط شخصی و اختلافات روانی را نادیده می‌گیرد... (Babb, Danziger & Hong, ۲۰۱۶) Polansky, ۲۰۱۶) دسته دیگر از پژوهش‌ها، با توجه به مشکلات پیش گفته به منظور ایجاد یک چارچوب استراتژیک برای اصلاح قوانین خانواده پژوهش‌های متعددی انجام داده‌اند. در این پژوهش‌ها نظام فرآیندی و نوبه‌ای برای استفاده در دادگاه خانواده پیشنهاد شده است. (Steeh, ۲۰۱۶) دسته سوم از پژوهش‌ها مشکلات افرادی که برای حل مشکل حقوقی به مراجع قضائی مراجعه می‌نمایند در قالب پیمایشی بررسی کرده‌اند یکی از این مطالعات تحت عنوان «مطالعه جامع مطالبات حقوقی» توسط انجمن کانون وکلای آمریکا در دهه ۱۹۷۰ انجام شده است. این نوع مطالعات اجزای مختلف نظام دادرسی را از منظر مراجعه‌کنندگان به نظام قضائی مورد بررسی قرار می‌دهند. (Hazel and Beinart, ۱۹۹۹)

نکته برجسته و بدیع این پژوهش، تمرکز بر رویکرد های دادرسی می‌باشد و این پژوهش به دنبال این امر است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، به نقد و بررسی نظام دادرسی دعاوی خانوادگی در نظام حقوقی ایران بپردازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که در فقه و حقوق ایران و همچنین نظام حقوقی برخی کشورهای غیر اسلامی چه شیوه‌هایی در حل و فصل اختلافات خانوادگی وجود دارد؟ دادرسی دعاوی خانوادگی در نظام حقوقی ایران بر اساس چه رویکرد دادرسی است و آیا رویکرد حاکم در دادرسی دعاوی خانوادگی تفاوتی با سایر دادرسی‌های مدنی دارد؟ راهکارهای رفع مشکلات آئین دادرسی ایران در دعاوی خانوادگی کدام‌اند؟

با توجه به ماهیت متمایز دعاوی خانوادگی از سایر دعاوی، استفاده از آئین‌ها و شیوه‌های خانواده محور در حل و فصل اختلافات خانوادگی، می‌تواند نتیجه متفاوتی را برای خانواده رقم بزند. به دیگر سخن، فرایند دادرسی می‌تواند به شکلی باشد که موجب تشدید خصومت‌ها شود یا اینکه با ایجاد سازوکارهای خانواده مدار و حل و فصل اختلافات خانوادگی، جدایی را کاهش پیدا کند و یا حتی عوارض و پیامدهای متارکه و جدایی برای زوجین و خصوصاً کودکان کاسته شود.

۱- شیوه‌های حل و فصل اختلافات خانوادگی در منابع فقهی

پیش از اسلام در سرزمین حجاز، شیوه سازمان یافته‌ای در دادرسی وجود نداشت و داوری (حکمت) رایج‌ترین اصل پذیرفته شده دادرسی به شمار می‌آمد. (ساکت، ۱۳۸۲: ۸۹). در دین اسلام، آیات متعدد

و روایات زیادی در مورد قضاوت نقل شده است که ذکر همه آن‌ها موجب اطاله کلام خواهد بود اما آیات قرآن کریم و اخبار واصله نشانگر عظمت قضا و اعتبار و شأن قضاوت در اسلام است. (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۸) در نظام حقوقی اسلام، صلاحیت دادرسی از شئون ولایت است. به عبارت دیگر دادرسی، اختصاص به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) دارد، (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰: ۶۷) تا زمانی که پیغمبر اکرم (ص) حیات داشتند و یا اهل بیت زنده بودند، دریافت و شناخت احکام الهی با مراجعه به ایشان امکان‌پذیر بود؛ اما با رحلت پیغمبر اکرم و اهل بیت و همچنین در زمان غیبت امام زمان، توسعه جامعه اسلامی و ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، روابط بین افراد دچار پیچیدگی‌های نوظهوری شد که امکان وجود نص خاص در هر مورد وجود نداشت. لذا جامعه به اندیشمندانی نیاز پیدا کرد که بتوانند با دانش و فراست خود احکام کلی را بر مصادیق و موضوعات تازه انطباق دهند و از این طریق حکم هر قضیه‌ای را دریابند. بدیهی است که دریافت و شناخت احکام الهی، علاوه بر علم و آگاهی، نیازمند صداقت و تقوا و بینش صحیح و از همه مهم‌تر ملکه اجتهاد است تا فرد بتواند بر اساس قرآن و سنت نبوی و قدرت اجتهاد، حکم هر موضوع را دریابد. از این رو گفته‌اند علما ورثه انبیاء هستند و با لحاظ اعتبار و ارزش فقها است که قضاوت پس از پیامبر اکرم (ص) و جانشینانش، تکلیف فقها شمرده شده است. ولایت فقیه جامع‌الشرايط در امر قضا و دادرسی مورد اتفاق همه فقهاست و هیچ فقیهی ولایت در امر تقنین و افتاء، برای غیر فقیه قائل نیست، در تاریخ فقه اسلام موردی یافت نمی‌شود که فقیهی بپذیرد حاکمان جور و فاسقان ظلم، صلاحیت حکومت بر جامعه اسلامی را داشته باشند بلکه اجماع و اتفاق فقها بر این است که صلاحیت مقام قضائی همانند صلاحیت مقام قانون‌گذاری و صدور فتوای، در انحصار فقیه جامع‌الشرايط است تا در ساختار منطبق با فقه امامیه، مسلمانان بتوانند به راحتی دعوا و شکایات خود را در دادگاه اسلامی مطرح کنند و با ارائه ادله اثبات دعوا و یا جرم علیه مدعی علیه یا مشتکی عنه، اقامه دعوا یا شکایت کنند و دادرس عادل اسلامی پس از استماع ادله طرفین و بررسی آن‌ها بر اساس معلومات قضائی و تقوای الهی، انشاء حکم کند. (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۰) از این رو مهم‌ترین مبنا و منبع آئین دادرسی در اسلام قرآن و سنت است؛ در دین اسلام، تقنین امری الهی است و قوانین اسلامی از طرف ذات باری تعالی به پیامبر وحی می‌شود و پیامبر حامل وحی و ابلاغ‌کننده احکام خداوندی است؛^۲ و مبنای صدور احکام، بر دو اصل احقاق حق و اجتناب از هوای نفس قرار دارد.^۳ (پیشین: ۲۸) همچنین از منابع اسلامی، اصولی

۲. سوره مبارکه نجم آیه ۳ و ۴

۳. سوره مبارکه ص آیه ۲۶

مانند حرمت و مصونیت جان و مال مردم، اصل توقف اجرای مجازات بر حکم قضائی، قضاوت توسط قضات صالح و مستقل و بی طرف، اصل نظارت بر حسن انجام دادرسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، اصل تفسیر به نفع متهم، اصل علنی بودن دادرسی، اصل برابری اصحاب دعوا در زمینه دادرسی قابل استنباط است. در حوزه دادرسی اختلافات بین زوجین، دین مبین اسلام به اصلاح ذات البین و ایجاد سازش میان هم نوعان و به طور خاص اصلاح میان زوجین فرمان داده است.^۴ در آیه ۳۵ سوره مبارکه نسا راهکار حکمیت و داوری برای حل و فصل اختلافات خانوادگی مطرح شده است. در این آیه مبارکه چنین آمده است: *وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا*^۵ حکمیت^۵ یک نهاد ویژه در باب خانواده است و در رابطه خاص میان زن و شوهر محقق می شود. در آیه مبارکه خداوند متعال دستور داده شده است که در صورت وقوع اختلاف بین زن و شوهر حکمی از دو طرف برگزیده شود. (هدایت نیا، ۱۳۸۶: ۵۳)

نکته ای که در این مجال لازم به ذکر است، مخاطب آیه شریفه است بعضی بر این اعتقادند که خطاب های قرآنی آنگاه که احکام شرعی را بیان می کنند، هر گاه به صورت مطلق بیان شده باشند مخاطب آن حاکمان خواهند بود. به همین جهت مخاطب آیه شریفه حاکمان می باشند؛ زیرا در آیه، تعبیر «فابعثوا» را به کاربرده شده است. بر این مبنا، در حل و فصل اختلافات خانوادگی، خطاب وارده در آیه متوجه حکومت است و حاکم بایستی به این دست از دعاوی رسیدگی کند (مکی عاملی، ۱۴۱۳ ق: ج ۸، ص ۳۶۴). برخی دیگر از فقها معتقدند فعل امر «فابعثوا» در آیه کریمه ظهور در وجوب دارد از این رو بر حاکم واجب و لازم است که از باب حسبه در زمانی که بین زوجین و یا یکی از آنها ناسازگاری به وجود آمده باشد برای نجات دادن آنها اقدام نماید. بر این مبنا، اصلاح در روابط زوجین و حل و فصل اختلافات خانوادگی بایستی توسط قاضی منصوب صورت گیرد. این دسته از فقها، طریقه اصلاح در روابط زوجین را ارجاع دادن آنها به شخص عاقل و مدبر و یا اگر بین زوجین اختلاف و منازعه مالی پیش آمده به حاکم شرع یا فرد مصلحی که به اصلاح بین مردم آشنا باشد می دانند، دسته دیگر از فقها بر این عقیده اند که خانواده هر یک از زن و شوهر باید حکمی را مشخص کنند که با آنها در شئون آن دو صحبت کنند و بر حسب اقتضا آن دو را با یکدیگر آشتی دهد (عمید زنجانی، آیات الاحکام: ۲۸۷) نظریه دیگری که در فقه وجود دارد تعیین حکمین را به جهت استحباب اصلاح در روابط زن و شوهر و ارشادی بودن حکمیت، و مربوط بودن آن

۴. سوره مبارکه انفال، آیه ۱

به روابط شخصی زوجین مستحب دانسته‌اند (شیرازی زنجانی، کتاب نکاح: ج ۲۵، ص ۷۷۲۳) برخی دیگر معتقدند مخاطب آیه مورد بحث زوجین هستند و آنان باید هر کدام حکمی از طرف خود تعیین نمایند. المختصر النافع فی الفقه الامامیه: ج ۱، ۱۹۱) در این میان برخی دیگر قائل به انتخاب حکمین توسط اقوام زوجین هستند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن: ج ۳، ص ۷۰ به نقل از هدایت نیا، ۱۳۹۷: ۴۱۹) و بعضی دیگر معتقدند که آیه شریفه، مخاطب خاص و معینی ندارد و از آنجا که موضوع آیه اصلاح ذات البین است، خطاب متوجه هر کسی است که از شقاق مطلع شود و توان رفع آن را با به کارگیری تدبیرهای زیبا و سخنان معقول داشته باشد. (سبزواری، ۱۳۸۳، ج ۲۵: ۲۲۷)

۲- شیوه های حل و فصل اختلافات خانوادگی در حقوق ایران

تحولات حقوقی هر کشور منبث از تحولات تاریخی آن کشور است و مطالعه هر نهاد حقوقی بدون ملاحظات تاریخی بی ثمر خواهد بود. بست نشینی عالمان دینی به همراه مردم تهران و مطالبه «عدالت‌خانه» و «مصلحت‌خانه» موجب گردید تا سرانجام مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را در سال ۱۲۸۵ شمسی صادر نماید. اولین قانونی که پس از انقلاب مشروطیت به تصویب رسید، «قانون اصول تشکیلات عدلیه» و «اصول محاکمات حقوقی» بود. تصویب قوانین شکلی ناظر بر تنظیمات و ترتیبات دادرسی قبل از تصویب قوانین ماهوی، متأثر از نظام حقوقی فرانسه بود. بستر سازی این تأثیر از صدر مشروطه آغاز و در دوره رضاخان به حد کمال خود رسید. نمایندگان مجلس در دوره مشروطه حساسیت بسیار زیادی بر عدم مغایرت قوانین ماهوی با شرع داشتند اما در تصویب قوانین شکلی، نظام حقوقی فرانسه را الگو قرار دادند. هر چند انقلاب کبیر فرانسه فصل نوینی را در نظام حقوقی آن کشور گشود اما منتهی به نفوذ افکار لیبرالیسم و اندیشه‌های اصالت فرد در نهاد حقوقی فرانسه شد. تأثیر لیبرالیسم در آئین دادرسی مدنی به این صورت بود که هرگونه اقدام دادگاه به اراده اصحاب دعوا در درخواست‌های آن‌ها متبلور می‌شد که به اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی شهرت پیدا کرده است. یکی دیگر از عناصر لیبرالیسم «قاعده بی‌اثری دادگاه» بود که از اصل حاکمیت اصحاب دعوا نشأت می‌گرفت. بر اساس این قاعده، دادگاه محدود به رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا است؛ بنابراین اصل حاکمیت اصحاب دعوی مدنی که منطبق با اصول لیبرالیسم و آزادی خواهانه بود در آئین دادرسی مدنی فرانسه این‌گونه تبیین شد: اراده اصحاب دعوا آغازگر و پایان دهنده به دعوا است؛ دادرسی اصولاً در دست متداعیین است مگر آنچه مربوط به نظم عمومی دادگستری باشد که این در اختیار دادگاه است؛ دادگاه اصولاً اقداماتی می‌کند و تصمیماتی اتخاذ می‌کند که طرفین از او بخواهند و مبنای قضاوت دادگاه دلایلی است که ایشان اقامه می‌کنند. (پور استاد،

«قانون اصول محاکمات حقوقی» در سال ۱۲۹۰ شمسی، به‌عنوان اولین قانون مدون و با الگوبندی از کد ناپلئون در آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۸۰۶ تصویب گردید. در واقع این قانون مدون زمانی تصویب گردید که بالغ بر صدسال از تصویب کد آئین دادرسی فرانسه می‌گذشت. پس از قانون اصول محاکمات حقوقی، «قانون آئین دادرسی مدنی» به تصویب رسید که اندیشه‌های حاکم بر نظام حقوقی فرانسه از جمله لیبرالیسم و فردگرایی در آن موج می‌زد. با نگاهی به کد ناپلئون در آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۸۰۶ فرانسه و قوانین اصلاحی آن و مقایسه این تحولات با قانون آئین دادرسی مدنی در سال ۱۳۱۸ این نکته واضح و مبرهن است که نظام قانون‌گذاری ایران به‌شدت تحت تأثیر فراز و نشیب قانون‌گذاری فرانسه در این زمینه بوده است.. (پور استاد، ۱۳۹۱: ۷۷) در طول تاریخ حقوق ایران، با توجه به احکام قرآنی و سنت پیغمبر (ص) و ائمه معصومین (ع) آیین دادرسی اسلامی اجرا می‌گردید. همواره حکمیت و اصلاح ذات‌البین از روش‌های متداول و مؤثر حل‌کلیه اختلافات از جمله اختلافات خانوادگی بوده است. رهبران مذهبی و مجتهدان و روحانیون، با توجه به مقررات اسلام و آداب و عادات محلی به اختلافات و مناقشات خانوادگی برحسب تکلیف شرعی خود رسیدگی می‌کردند و ضمانت اجرای تصمیمات آنان نیز نفوذ و اقتدار معنوی آنان بوده است. (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۵) اما در گذر زمان، با شروع فرایند عرفی شدن، حل و فصل اختلافات خانوادگی به محاکم دادگستری سپرده شد. در این فرایند، نهضت مشروطیت، تدوین قانون اساسی و متمم الحاقی به آن، روی کار آمدن پهلوی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. به‌گونه‌ای که با نگارش متمم قانون اساسی، تفکیک قوا و شکل‌گیری نظام قضائی نوین، برای اولین بار سخن از دوگانگی نظام قضائی و تفکیک نظام شرع و عرف به میان آمد. (لک زائی، ۱۳۹۱: ۱۳۸) به همین منظور، دعاوی و اختلافات عرفی در محاکم عمومی دادگستری و اختلافات شرعی در مراجع شرعی رسیدگی می‌شد. (بروجردی، ۱۳۹۷: ۲۵) با تصویب «قانون اصول تشکیلات عدلیه» و «قوانین موقتی اصول محاکمات حقوقی» دعاوی راجع به نکاح و طلاق در زمره امور شرعی دانسته شد و تصریح گردید که محاکم عدلیه این دعاوی را به محضر عدول مجتهدین در محاکم شرع ارجاع خواهند کرد. (یاوری، ۱۳۵۶: ۵۷-۶۵) «قانون محاکم شرع» مصوب ۱۳۱۰ نیز ترتیبات مشابهی برای رسیدگی به اموری راجع به محکمه شرع باشد پیش‌بینی نمود. صلاحیت این دادگاه بر طبق ماده ۷ این قانون «دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق»، «درخواست طلاق توسط زن به جهت امتناع زوج از پرداخت نفقه (ماده ۱۰ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰)»، «مواردی که قطع و حل و فصل دعوا جز با اقامه بینه یا حلف و احلاف ممکن نیست»، «نصب قیم یا وصی و یا ناظر و ضم امین» بوده است. بعدها پس از تصویب قانون راجع به ازدواج ۱۳۱۰، قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۱۸، قانون امور حسبی و قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ و... رسیدگی به اختلافات خانوادگی

کاملاً به دادگستری نوین سپرده شد و تنها اختلاف راجع به اصل نکاح و طلاق در صلاحیت «محاکم شرع» باقی ماند (یاوری، ۱۳۷۰: ۱۲۰) و در عمل همه گام‌های اصلاحات قضائی را در جهت تقویت دادرسی عرفی و تضعیف محاکم شرع برداشته شد. (ابوالحسنی، ۱۳۹۳: ۱۵۲) در این میان، نکته جالب توجه تصویب ماده ۶۷۶ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ است. چه اینکه این ماده مقررات مفصلی را در داوری اختلافات خانوادگی و امکان ارجاع اختلافات خانوادگی به داوری به خواست هریک از زوجین در زمینه سوء رفتار، عدم تمکین، نفقه، کسوه، سکنی، هزینه طفلی که در عهده شوهر و در حضانت زن باشد را مقرر نمود. با تصویب قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ دادرسی و حل و فصل دعاوی خانوادگی به محاکم نوین دادگستری سپرده شد. از این رو، شعبه‌ای از دادگاه‌های عمومی حقوقی دادگستری (دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش) «برای رسیدگی به دعاوی زناشویی و اختلافات خانوادگی» اختصاص یافت و برخی مقررات شکلی نوین (مانند انجام هر نوع تحقیق و اقدام برای روشن شدن موضوع، معافیت از پرداخت هزینه‌های دادرسی و...) مربوط به آئین دادرسی مدنی در خصوص دعاوی خانوادگی تصویب گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز لزوم توجه به آئین دادرسی خاص دعاوی خانوادگی تدریجاً در گذر زمان و در قوانین مختلف شدت و ضعف یافت (اسدی و شکری، ۱۳۹۴: ۴۲) به عنوان نمونه در تبصره ۲ ماده ۵ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص، مقررات مربوط به حکمیت در دادرسی دعاوی خانوادگی وارد گردید. این قانون چنین آمده است که «در مواردی شوهر به استناد ماده ۱۱۳۳ تقاضای طلاق می‌کند دادگاه بدو حسب آیه کریمه ۳۵ سوره نسا موضوع را به داوری ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج خواهد داد و در صورتی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد مراجعه به دادگاه لازم نیست». اما سالها بعد در ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ مقرر گردید که زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوا نمایند. چنانچه اختلاف فی‌مابین از طریق دادگاه و حکمین از دو طرف که برگزیده دادگاه‌اند حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق حق ثبت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آن‌ها صادر نشده است ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خاطی سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد.

امروزه با بروز اختلاف در زندگی خانوادگی، زوجین در محاکم دادگستری وارد روند رسیدگی قضائی می‌شوند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷: ۶۰) اما آنچه واجد توجه دوچندان است این است که علی‌رغم لزوم توجه به دادرسی افتراقی در حوزه خانواده، (اسدی و شکری، ۱۳۹۴: ۴۲) قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی

و انقلاب در امور مدنی بر کلیه دعاوی مدنی از جمله دعاوی خانوادگی حاکمیت دارد. آیین دادرسی مدنی شاخه‌ای از علم حقوق است که به مجموعه حقوق و تکالیف اصحاب دعوا و دادرس در نظام دادگستری مدنی و چگونگی اداره جریان دادرسی مدنی می‌پردازد (محسنی، ۱۳۸۸: ۴۸) در محاکم دادگستری، هر اختلافی در چارچوب اصول و قواعد و مقررات آئین دادرسی و در مقام اجرای حق دادخواهی مطرح می‌شود، «دعوا» نام می‌گیرد (شمس، ۱۳۸۱: ۱۳) اصحاب دعوا یا خواهان و خوانده در محاکم دادگستری، نقش‌آفرینی می‌کنند. خواهان یا خوانده بودن اثرات بسیار مهمی در دادرسی دارد. خواهان شخصی است که چیزی را به ضرر دیگری از دادگاه می‌خواهد و آغازگر دعواست. خوانده یا مدعی علیه شخصی است که به دادرسی فراخوانده شده و او باید از خود در برابر ادعاهای خواهان دفاع کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۶۳۱) دادرس یا قاضی، نیز نماینده دولت در رساندن داد به متداعیین و یا اعمال حکم بر موضوع است. (محسنی، ۱۳۸۸: ۳۶) پس از اقدام به دادرسی، نوعی رابطه شکلی و آئین دادرسی بین خواهان و خوانده ایجاد می‌گردد. موضوع رابطه ناشی از آغاز رسیدگی در دادگستری است و ارتباط نوینی برقرار می‌شود. فرایند دادرسی می‌بایست در یک فرآیند تشریفاتی و تقابلی و فرد محورانه انجام شود. تقابلی بودن دادرسی به معنی این است که دادرسی تناوبی از اعمال یک‌جانبه است که خواهان و خوانده و دادرس انجام می‌دهند. دادرس در پی کشف حقیقت و احقاق حق است و هر یک از خواهان و خوانده با ادعاها و دفاعیات خود دیگری را نشانه گرفته و دادرس را واسطه سخنان خود می‌کنند. دادرس هم تصمیم‌هایی نسبت به دادرسی، آیین و موضوع آن می‌گیرد که در حقوق و منافع اصحاب دعوا مؤثر است. (مارتین، ۱۳۹۵: ۱۳۲) پس از تصویب قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۱ دادگاه خانواده یکی از مراجع دادگستری اختصاصی موجود در نظام دادرسی ایران محسوب می‌شود که صلاحیت رسیدگی به دعاوی مصرح در ماده ۴ قانون حمایت اخیرالذکر را دارد. در این قانون، برخی نوآوری‌هایی خاص با توجه به لزوم رسیدگی افتراقی در دادرسی دعاوی خانوادگی تصویب گردیده است. (حبیبی تبار، ۱۳۹۴)

۳- شیوه‌های حل و فصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایالت متحده آمریکا

در طول یک سوم پایانی قرن بیستم، ایالات متحده بسیاری و بسیاری از کشورهای غربی دیگر تغییرات اساسی در قوانین آئین دادرسی به منظور کوتاه تر کردن روند انحلال خانواده و بی طرف کردن نتایج طلاق از نظر جنسیتی و حمایت از منافع کودکان ایجاد کردند. زیرا در طلاق با تقصیر، هر یک از زوجین باید ثابت می‌کرد که همسر دیگر کار اشتباهی انجام داده است که باعث جدایی شده است. اما با ایجاد تغییرات، در همه ایالت‌ها و کشورها گزینه طلاق بدون تقصیر ارائه گردید و همینکه زوجین اعلام می‌

کردند که با همسر خود نمی‌توانند با هم کنار بیایند و امیدی به آشتی وجود ندارد تقاضای طلاق خود را به دادگاه تقدیم می‌کردند. این نکته واضح است که طلاق بدون تقصیر نسبت به طلاق با تقصیر کم‌هزینه‌تر بود و در مدت زمانی محدودتری انجام می‌شد، زیرا زوجین برای صدور حکم طلاق نیازی به اثبات تخلفات زناشویی نداشتند. در سرتاسر ایالات متحده، همزمان با افزایش سریع نرخ طلاق (به رکورد بالای یک در هر دو ازدواج) و تغییر قوانین نفقه و دارایی و نظریه توزیع عادلانه تری از دارایی‌های خانواده بین زن و مرد، و اینکه کدام والدین باید از نظر قانونی و فیزیکی مسئول مراقبت از فرزندان پس از طلاق باشند، با حضانت مادر در سالهای اولیه حیات کودک، جایگزین شد، میانجیگری برای تسهیل در حل و فصل اختلافات خانوادگی ایجاد گردید. همچنین در همان دوره، تلاش‌های فراوانی برای توانمندسازی خانواده‌های طلاق از طریق ارائه اطلاعات در مورد روند طلاق و نیازهای فرزندانشان برای دسترسی مکرر، مستمر و بدون تعارض به هر دو والدین انجام شد. اما ناکارآمدی خانواده‌های دچار اختلاف و قرار داشتن فرزندان در معرض تضادهای زناشویی مداوم و مشکلات عاطفی این خانواده‌ها و عدم امکان حل و فصل اختلافات خانوادگی از طریق میانجی‌گری باعث گردید که این زوجین وارد نظام دادرسی مدنی شوند و از مزایای قاطعیت و ضمانت اجرای آراء در نظام دادرسی مدنی بهره‌مند شوند. (Johnston، ۲۰۰۰، ۴۷۹)

با آغاز قرن بیست و یکم، با انجام پژوهش‌ها مشکلاتی از نظام دادرسی مدنی، و شیوه‌های خصوصی حل و فصل اختلافات خانوادگی مانند میانجی‌گری گزارش شد، نادیده گرفته شدن روابط شخصی و اختلافات عاطفی در فرآیند دادرسی، ماهیت تقابلی و خصومت‌آمیز، اطاله دادرسی، هزینه‌های دادرسی بالا، تأخیر، ناکارآمدی در استفاده از منابع، دادرسی پراکنده و صدور احکام مختلف و متناقض در خانواده پژوهشگران به این نتیجه رساند که دادگاه با رویکرد مشابه دادرسی مدنی نمی‌تواند تمام مشکلاتی را که برای خانواده‌ها ایجاد می‌شود، حل و فصل کند، از این رو تلاش‌ها برای ایجاد یک رویکرد با نگاه خانواده‌محور برای کمک به خانواده‌ها در هنگام جدایی و طلاق انجام گردید. این رویکرد دادگاه خانواده و وظیفه این دادگاه را باز تعریف می‌کند و برای حل و فصل اختلافات خانوادگی مشارکت‌های چند رشته‌ای بین کنشگران دادگاه، و کلا، میانجی‌گرها و متخصصان سلامت روان و... را به منظور خلق راه‌حل‌های قابل اجرا، و منطبق با ساختار خانواده و عملکرد خانواده ضروری می‌داند. (Irib: ۴۵۳) استفاده از این رویکرد بین‌رشته‌ای برای حل و فصل دعوی حقوقی خانواده نشان‌دهنده یک تحول مناسب در همکاری بین حقوق و علوم اجتماعی است و نقش حیاتی خانواده در جامعه امروزی برای فراهم کردن محیط‌های باثبات و پرورشی برای اعضای خانواده، ایجاد می‌کند که قضات از تحقیقات بین‌رشته‌ای برای رسیدگی به این اختلافات بهره‌برند. پژوهش‌های علوم اجتماعی و روانشناختی در مورد زندگی خانوادگی می‌تواند به هدف تقویت و حمایت از خانواده‌ها کمک کند. (Bob، ۲۰۱۴، ۴)

رویکرد میان‌رشته‌ای حل و فصل اختلافات خانوادگی دادگاه را منبعی از قدرت و پشتیبانی برای ادامه و بهبود عملکرد خانواده می‌داند؛ زیرا تصمیم‌گیری دادگاه نقشی حیاتی بر زندگی روزمره افراد و خانواده‌ها دارد. بعلاوه، استفاده از افراد متخصص در رشته‌های مختلف مرتبط با خانواده را برای دستیابی به واقع‌گرایی حقوقی و پاسخگویی بیشتر به واقعیت‌های اجتماعی کمک می‌کند. رویکرد میان‌رشته‌ای حل و فصل دعاوی خانوادگی، از ترکیب نظریه بوم‌شناسی توسعه انسانی^۶ و دادرسی درمان محور^۷ شکل می‌گیرد، این رویکرد، به دادگاه این فرصت را می‌دهد تا مسئله دعاوی خانوادگی را از ابعاد مختلف بنگرد و حل و فصل دعاوی خانوادگی به حقوق و قانون محدود نداند. در واقع نکته بسیار مهم این رویکرد، تحلیل چندعاملی برای حل و فصل دعاوی خانوادگی است. نظریه بوم‌شناختی رشد انسانی برای اولین بار توسط پروفیسور اروی برونفنبرنر^۸ با تأکید بر ساختار پیچیده و چندین سطحی روابط انسانی و تأثیر عوامل محیطی بر فرد مطرح شد. در نظریه دادرسی درمان محور نیز توسط دیوید و کسلر^۹، برای بررسی نتایج ناشی از اعمال قوانین ماهوی و قواعد شکلی و رفتار کنشگران حقوقی بر مجرمان مطرح شده است. ترکیب این دو نظریه با یکدیگر، رهیافت بین رشته‌ای دادرسی دعاوی خانوادگی را مطرح می‌سازد که این رویکرد، به قضات توجه به امکان تأثیر بر رفتار انسان و زندگی خانوادگی را ارائه می‌دهد تا راه‌حل‌های عمل‌گرایانه و مؤثرتری برای مسائل حقوقی خانواده ارائه دهند. این رویکرد در نهایت منجر به طراحی نظام قضایی مطلوب برای خانواده و ارائه نحوه مداخله مؤثر قانون در زندگی خانوادگی خواهد شد. دادرسی درمان محور، تأثیر قانون بر سلامت عاطفی و روانی فرد را بررسی می‌کند؛ و به قانون به‌عنوان یک نیروی اجتماعی نگاه می‌کند که می‌تواند اثر درمانی (عواقب مفید) یا ضد درمانی (عواقب مضر) را تولید کند.^{۱۰} این پیامدها می‌تواند ناشی از قوانین ماهوی^{۱۱}، قواعد حقوقی و قواعد شکلی^{۱۲} عملکرد کنشگران حقوقی مانند وکلا، قضات، کارکنان دادگاه و... باشد.

این نظریه، باهدف ایجاد تغییرات محسوس و مثبت با نگاهی خوش‌بینانه و خلاقانه به دنبال شناسایی اقدامات امیدوارکننده در اجرای قانون است. به طوری که قانون را به شیوه‌ای درمانی تر وضع یا اجرا شود. کنشگران حقوقی باید پتانسیل خود را به‌عنوان عوامل تغییر تشخیص دهند و تأثیرات رفتار خود را بر مراجعه‌کنندگان تشخیص دهند. برای اینکه این نوع دادرسی واقعاً معنادار و درمانی باشد، بایستی تمام

^۶ The Ecology of Human Development

^۷ interdisciplinary ecological and therapeutic approach

^۸ Urie Bronfenbrenner

^۹ Wexler, David B.

^{۱۰} Babb & Wexler, Therapeutic Jurisprudence: ۲

^{۱۱} substantive law

^{۱۲} legal procedures

تعاملات حقوقی با شرکت کنندگان توأم با همدلی، احترام، با استماع فعال و تمرکز، بدون اجبار، بزرگ‌منشانه و شفاف باشد. همچنین بر به حداکثر رساندن پیامدهای درمانی دادرسی و به حداقل رساندن پیامدهای ضد درمانی تاکید بسیار زیادی می‌شود. اتخاذ رویکرد درمانی برای مشکلات حقوقی خانواده به این معنا نیست که قضات و وکلا به‌عنوان درمانگر یا مددکار اجتماعی عمل کنند. در عوض، این امر مستلزم آن است که این کنشگران به‌طور آگاهانه مشکلاتی را که ممکن است موجب ایجاد رفتار ناشایست بشنود و چگونگی رسیدگی مؤثر به این رفتارها را در نظر بگیرند (Bob، ۲۰۰۷: ۱۱۲۶). به عنوان مثال یکی از مشکلات خانواده‌ها ناشی از اعتیاد است. مصرف مواد مخدر اغلب ارتباط بین اعضای خانواده را از بین می‌برد و باعث رفتار ناشایست همسر معتاد می‌شود. رسیدگی قضائی هرگز نمی‌تواند راه حل مناسبی برای این مشکلات خانواده ارائه دهد و تنها گزینه برای قاضی صادر کننده حکم طلاق است. اما در رویکرد قضائی درمان محور، قضات و سایر کنشگران می‌بایست با ارجاع خانواده به دادگاه، به جای صدور حکم طلاق، مشکل اعتیاد و مصرف مواد مخدر را از منظر علت‌شناسی، علائم و درمان آن بررسی می‌کنند. این درک جامع از مصرف مواد مخدر، قضات دادگاه خانواده را قادر می‌سازد تا به جای صدور حکم طلاق، راه‌حل‌های مؤثری برای حل مشکلات خانواده درگیر مشکل اعتیاد ارائه کنند. این امر به اعضای خانواده در برابر مشکلات مرتبط با اعتیاد کمک شایانی می‌کند و حتی از وقوع پیامدهای طلاق نظیر بی‌توجهی به فرزندان جلوگیری کند و احتمال بهبودی والدین معتاد را به دلیل مداخله زودهنگام افزایش دهد. (Bob، ۲۰۰۸)

نتیجه‌گیری:

در تمام نظام‌های حقوقی دنیا، رسیدگی و تصمیم‌گیری قضائی درباره موضوعات مختلف حقوقی، مورد اتفاق است. (فضائلی، ۱۳۸۷: ۶۰). بر این اساس، هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند نسبت به حقوق شکلی بی‌تفاوت باشد و اطمینان به اجرای حقوق ماهوی داشته باشد. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۶۳۴). نظام حقوقی اسلام (که از مهم‌ترین نظام‌های حقوقی و مذهبی به شمار می‌رود) از ضرورت و لزوم توجه به امور شکلی در کنار امور ماهوی غافل نبوده است. در طول تاریخ حقوق ایران همواره حکمیت و اصلاح ذات‌البین از روش‌های متداول و مؤثر حل‌کلیه اختلافات از جمله اختلافات خانوادگی بوده است. رهبران مذهبی و مجتهدان و روحانیون، با توجه به مقررات اسلام و آداب و عادات محلی به اختلافات و مناقشات خانوادگی بر حسب تکلیف شرعی خود رسیدگی می‌کردند و ضمانت اجرای تصمیمات آنان نیز نفوذ و اقتدار معنوی آنان بوده است. (هدایت‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۵). امروزه حل و فصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایران مفهوم رایجی از رویکرد رسیدگی قضائی است. مهم‌ترین نتیجه تشریفاتی بودن دادرسی، ایجاد نظم بر دادرسی است. تراکم پرونده‌ها و رسیدگی در چارچوب تشریفات قضائی موجب می‌شود که

رسیدگی قضائی زمان برو هزینه بر باشد. (هدایت نیا، ۱۳۹۸: ۲۱۷) در این نوع رسیدگی که تقابلی، تشریفاتی و فرد محورانه است و با ماهیت صمیمی، عاطفی اختلافات خانوادگی ناسازگار است با ارجاع خانواده به دادگاه، زن و شوهر را به منزله دو مدعی در مقابل یکدیگر قرار می گیرند. زن درخواست مهریه و نفقه و می کند و مرد دادخواست الزام به تمکین و منع اشتغال و استرداد طلاجات و ... می دهد. (هدایت نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۶) طبیعت خانواده و نوع رابطه اعضای آن با یکدیگر به نحوی است که حقوق به تنهایی قادر نیست این روابط را تعدیل سازد و طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه سازگار نیست. در مشی قران کریم لزوم صیانت از خانواده، تقویت پیوندهای زناشویی و همچنین ارائه راهکارهایی برای حل و فصل اختلافات خانوادگی استنباط می شود که به طور محسوسی گویای تقدم روش های اخلاقی بر هرگونه روش حقوقی است. (هدایت نیا، ۱۳۸۶: ۱۰۶) آئین ها و سازوکارها و تضمین های دادرسی از نگاه اسلام مقوله ای ایستا و ثابت نیست بلکه برحسب شرایط زمان و مکان قابل تغییر است و مهم حصول غایتی است که از آن مورد انتظار است. می توان با بذل عنایت به این مقوله و رجوع دوباره به متون و منابع اصیل فقهی و کلامی به همراه بهره گیری از تجارب گوناگون سیستم های قضائی ملی و بین المللی پیش از پیش به استقرار نظام قضائی مطلوب و متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه اسلامی در روزگار کنونی کمک کرد. (فضائی، ۱۳۹۳: ۱۶۱) بررسی های تطبیقی رویکرد های پژوهش نشان داد که حتی در کشورهای غیر اسلامی با علم و اذعان به ماهیت متمایز دعاوی خانوادگی، استوار بودن کانون خانواده بر عشق و صداقت و خصوصی بودن حریم خانواده، با انتقاد از رویکرد دادرسی مدنی مرسوم، رویکردی بین رشته ای درمان محور برای حل و فصل اختلافات خانوادگی ابداع نموده و استفاده از فرآیند خاص درمانی را برای حل و فصل اختلافات خانوادگی الزامی قرار داده اند. بدیهی است با توجه به مشکلات رسیدگی قضائی فرد محورانه در حل و فصل اختلافات خانوادگی در نظام حقوقی ایران، (شهیدی و سایرین، ۱۴۰۱) با افزایش مراجعات به محاکم دادگستری در دعاوی خانوادگی به دلیل کم رنگ شدن و دگرگونی ارزش های اخلاقی در تعاملات زناشویی و پررنگ شدن امکان مطالبات حقوقی خودخواهانه در زندگی مشترک (چابکی، ۱۳۹۵)، تلاش برای ارائه جایگزینی برای دادرسی مدنی در دعاوی خانوادگی ایجاد شود و دعاوی خانواده از هر نوعی (مهریه، نفقه، ملاقات فرزند و...)، به جای طرح در محاکم دادگستری، به صورت نظام مند با نهاد حکمیت و داوری با بازوان اجرائی اطباء، روان شناسان و مددکاران و حل و فصل شوند و در موارد انحصاری و عنداللزوم، دعاوی طلاق در دادگاه خانواده مطرح گردد. بدیهی است که این امر مطابق با اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تشکیل دادگاه صالح برای حفظ

کیان و بقای خانواده» است و نقش بسیار مهمی در تحکیم خانواده و پیشگیری از بروز هر گونه تزلزل در این نظام را خواهد داشت.

منابع:

۱. ابوالح سنّی، علی، «نگاهی تاریخی به محاکم شرع و تقوا و فراست قضائی فقها»، مجله فقه اهل بیت، ۱۵۰-۲۲۷، (۱۳۹۳)
۲. اسدی، لیلآسادات «سیاست افتراقی در رسیدگی به دعاوی خانوادگی و راهبردهای آن»، مجله فقه و حقوق خانواده، (شماره ۴۷) سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ۱۰-۳۸، (۱۳۸۶)
۳. اسدی، لیلآسادات؛ شکری، فریده، آئین دادرسی امور و دعاوی خانوادگی، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران، (۱۳۹۴)
۴. السان، مصطفی، نجفی زاده، لیلآ، دلاوریان، ملیحه، «نوآوریها و کاستی های قانون حمایت از خانواده در قلمرو اصول و تشریفات دادرسی»، مجله قضاوت، (شماره ۹۰) ۱۶۰-۱۴۳، (۱۳۹۶)
۵. بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه، جلد ۳۰، تهران: فرهنگ سبز، (۱۳۸۶)
۶. بروجردی عبده، میرزا محمد. اصول محاکمات حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۹۷)
۷. پوراستاد، مجید، نقش دادرسی مدنی در تحصیل دلیل و کشف حقیقت، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، (۱۳۹۱)
۸. تقی پور درزی نقیبی، محمد حسین، ابهری، حمید، حسینی مقدم، حسن «آئین دادرسی دعاوی خانوادگی با تاکید بر قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱». دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، (شماره ۷۳)، ۱۸۴-۱۵۳، (۱۳۹۹)
۹. جعفری، عباس «داوری در دعاوی خانوادگی قوانین موضوعه و رویه قضائی»، مجله فقه و حقوق خانواده، (شماره ۴۷) پاییز و زمستان ۱۳۸۶، سال دوازدهم، ۹۵-۱۲۲، (۱۳۸۶)
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق؛ حاوی اصطلاحات: رشته های حقوق، علوم سیاسی و اقتصادی و تاریخ حقوق و رشته های مختلف فقه اسلامی، چاپ یازدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش، (۱۳۸۰)
۱۱. چابکی، ام البنین، مطالعه بین نسلی رابطه حقوق و اخلاق در تعاملات زناشویی زنان متأهل شهر تهران، مجله علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، پاییز ۹۵، شماره ۷۴، ۱۴۹-۱۷۶، (۱۳۹۵)

۱۲. خلیلی، عذرا، (۱۳۸۶) «مبانی مشروعیت و اصول راهبردی حکمیت و شورای حل اختلاف خانواده»، مجله فقه و حقوق خانواده، (شماره ۴۷) سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ۱۲۲-۱۴۹ (۱۳۹۵).
۱۳. داوودی، هما، (۱۳۸۶) «ارتباط قوانین خانواده و رویه قضائی با آسیب های خانوادگی»، مجله فقه و حقوق خانواده، (شماره ۴۷)، سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ۶۲-۷۵ (۱۳۹۵).
۱۴. ساکت، محمدحسین، دادرسی در حقوق اسلامی: سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمان های وابسته از آغاز تا سده سیزدهم هجری، تهران: نشر میزان (۱۳۸۲).
۱۵. سبزواری، مهذب الاحکام فی البیان الحلال و الحرام، ج ۲۵، قم: فجر ایمان (۱۳۸۳).
۱۶. شبیری زنجانی، موسی، کتاب نکاح، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز، (۱۳۸۲).
۱۷. شهبازی نیا، مرتضی؛ همتی، مجتبی؛ جوان، صدیقه. «ارزیابی دسترسی به دادگستری در نظام دادرسی مدنی ایران»، مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳، ۴۶۳ تا ۴۸۲، (۱۳۹۸).
۱۸. شهیدی، ریحانه، کاردوانی؛ راحله، میرداداشی؛ سید مهدی، دهقانی نیا، امیررضا، مطالعه کیفی سیاست دادرسی ایران در دعاوی خانواده، جامعه شناسی سیاسی، دوره ۵، شماره ۱۱ (۱۴۰۱).
۱۹. شمس، عبدالله؛ آئین دادرسی مدنی، دوره سه جلدی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: نشر میزان، (۱۳۸۱).
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی، آیات الاحکام، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات علوم انسانی، (۱۳۸۲).
۲۱. فضائلی، مصطفی، «جایگاه اصول دادرسی عادلانه در حقوق بشر و دکترین قضائی اسلام»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱، شماره ۱، ۱۵۹-۱۷۸، (۱۳۹۳).
۲۲. فضائلی، مصطفی، سیفی، سید جمال، فلسفی، هدایت الله، دادرسی عادلانه در محاکمات کیفری، تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، (۱۳۸۷).
۲۳. لک زائی، نجف، تحولات سیاسی- اجتماعی ایران معاصر، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، (۱۳۹۱).
۲۴. مارتین، ریموند، اصول راهبردی دادرسی مدنی، ترجمه اسماعیل شایگان، تهران: انتشارات میزان (۱۳۹۵).

۲۵. محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه نظریه همکاری میان طرفین دعوا و دادرسی، رساله دکتری، استاد راهنما دکتر ناصر کاتوزیان، رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، (۱۳۸۸)
۲۰. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه، بخش قضائی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، (۱۳۸۱)
۲۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، تراجم الاسرائع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام، دوره ۴ جلدی، قم: اسماعیلیان، (۱۴۰۸ ه ق)
۲۲. مکی عاملی، زین الدین، مسالک الافهام، ج ۸، قم: معارف اسلامی، (۱۴۱۴ ه ق)
۲۰. نعیمی، ابراهیم؛ شریعتی، سید صدرالدین، الگوی مشاوره ای حل تعارضات زنا شویی مبتنی بر دیدگاه های جنسیتی قرآن کریم، نشریه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۱۸، (۱۳۹۳)
۲۱. هدایت نیا، فرج الله داوری در حقوق خانواده، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۶)
۲۲. هدایت نیا، فرج الله، ظرفیت حقوق در تحکیم خانواده، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۹۸)
۲۳. هدایت نیا، فرج الله، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۹۷)
۲۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی، (۱۳۸۲)
۲۵. یاورى، فتح الله، دادگاه مدنی خاص در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۱: ۱۱۷-۱۲۹، (۱۳۷۰)
۲۶. یاورى، فتح الله، ارجاع به شرع، مجله کانون وکلا، شماره ۳۸، ۵۷-۶۵، (۱۳۵۶)
۲۷. Babb, B. A. (۲۰۱۴). Family Courts are Here to Stay, So Let's Improve Them. In SSRN Electronic Journal. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2513966>

- Babb, B. A., & Wexler, D. B). Scholar Works @University of Baltimore School of Law Therapeutic Jurisprudence Recommended Citation Therapeutic Jurisprudence, Prepared for Springer Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice (۲۰۱۴) (with Wexler). <https://doi.org/10.1007/978-1-4939-978-1>
- Babb, b. a., Danziger, g. h., & fellow, s. (۲۰۰۷). a comprehensive approach to truancy for Baltimore city: a roundtable discussion summary report and recommendations center for families, children and the courts a comprehensive approach to truancy for Baltimore city: a roundtable discussion. <https://ssrn.com/abstract=2510453>
- Babb B.A. Reevaluating Where We Stand: A Comprehensive Survey of America's Family Justice Systems Part of the Courts Commons, and the Family Law Commons Recommended Citation Reevaluating Where We Stand: A Comprehensive Survey of America's Family Justice Systems, ۴ [Internet]. ۲۰۰۸. Available from: http://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fac
- Babb B.A, Southern , ۱۹۹۸, Fashioning an interdisciplinary framework for court reform in family law: a blueprint to construct a unified family court, California law review ۹/۳
- Babb, B. A., Danziger, G., & Hong-Polansky, M. H. (۲۰۱۶). Family Divisions Are a Model for Change. In Trends in State Courts (Vol. ۱۱). http://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fachttp://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fac/907
- Johnston, J. R. (۲۰۰۰). Building multidisciplinary professional partnerships with the court on behalf of high conflict divorcing families and their children: Who needs what kind of help? ? University of Arkansas at Little Rock Law Review, ۲۲, ۴۵۳-۴۷۹
- Hazel Genn, Sarah Beinart,(۱۹۹۹),Paths to Justice: What People Do and Think about Going to Law, Hart Publishing, london
- Steeh, Davis, Frederick. Marquette Law Review Look Before You Leap: Court System Triage of Family Law Cases